

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت سی و چهارم ، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه‌ی فرهنگی

شماره‌ی ثبت : ۱۶۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

در محضر شما عزیزان، تبیین ساده و روان از آیات
قرآن را تقدیم می‌کردیم.

قرآن، کتاب هدایت به سوی تحقق حاکمیت جهانی صالحان

ما باید از آیات قرآن تحلیل صحیحی داشته باشیم و
آن را برای همه دوران‌ها ببینیم. باید مسائل روزمان را
به وسیله آیات قرآن حل کنیم و کلید حل همه
مشکلاتمان را در آن پیدا بکنیم. این اتفاق نمی‌افتد،
مگر اینکه نگاهمان را به قرآن، اصلاح بکنیم. قرآن فقط
کتاب اخلاق و اعتقادات نیست، هر چند مسائل
اخلاقی و اعتقادی در آن هست. قرآن کتاب تاریخ
نیست، هر چند مسائل تاریخی در آن هست. قرآن
کتاب هدایت به سوی حاکمیت جهانی انسان صالح
است. قرآن مسیر تحقق حاکمیت جهانی صالحان را به

ما نشان می‌دهد. کتاب هدایت به سوی ولایت صالحان است. باید ولایت صالحان، روزی در زمین محقق بشود و **إِلَّا**، خلق زمین و آسمان بیهوده خواهد بود. خدای متعال بارها می‌فرماید، ما آسمان و زمین را بیهوده خلق نکردیم. مومنین وقتی به آسمان نگاه می‌کنند و در خلقت آسمان و زمین تفکر می‌کنند، چه می‌گویند؟ **﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾**^۱، تو این آسمان و زمین هستی را بیهوده نیافریدی.

چطور خلقت آسمان و زمین، بیهوده می‌شود؟

خب درچه صورتی خلقت آسمان و زمین، بیهوده می‌شود؟ روشنفکران منافق می‌گویند، خدا بشر را خلق کرده، عقل به او داده و او را رها کرده، لذا دیگر نیازی به دین و وحی ندارد. زمانی بشر نیاز به دین و وحی داشت، که عقلش کامل نشده بود. امروز که عقلش کامل شده، دیگر نیازی به دین ندارد. با عقل خودش می‌تواند مسیر درست را پیدا بکند. ببینید، قرآن که می‌فرماید: **﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾**، این را تخطئه می‌کند. شما می‌گویید خدا به ما عقل داده و بعد هم ما را رها کرده. برای اینکه انسان به تکامل برسد، عقل کافی است. وقتی چنین گفتمان غلطی را پذیرفتید، لازمه‌اش این است که خلقت آسمان و زمین بیهوده باشد. چرا؟ چون عقل انسان، او را به نقطه تکامل

۱. سوره آل عمران؛ آیه ۱۹۱

نمی‌رساند. چرا؟ چون می‌بینیم، این عقل و علمی که امروز به اصطلاح در جهان حاکم است، ابرقدرت‌ها حاکمیت جهان را به سمت حاکمیت جنگل می‌برند. هرکس قدرت بیشتر دارد، باید بر جهان حاکم باشد و هر غلطی می‌خواهد بکند. هر ملتی را می‌خواهد نابود کند، نسل کشی بکند. تمام قوانین بین المللی هم از او حمایت می‌کنند. سیاست کلانی که امروز توسط ابرقدرت‌ها در جهان پیاده می‌شود، اگر جهان به همین شکل رها بشود، آیا کاروان بشریت، به یک نقطه امن و زیست مسالمت آمیز و صلح جهانی، در کل جهان می‌رسد؟ آیا حاکمیت ابرقدرت‌ها، جهان را به سمت صلح جهانی می‌برد؟ هرگز. ما می‌بینیم، حاکمیت ابرقدرت‌ها، جهان را به سمت تباهی و نابودی نسل انسان می‌برد. آیا این همه زمین و آسمان و مخلوقات خلق بشود، تا انسان برسد به جایی که به گونه‌ای در جهان باید زندگی کند، که اراده ابرقدرت‌ها محقق بشود؟! آیا تمام این خلقت، برای این بوده که روزی ابرقدرت‌ها که کثیف‌ترین، خبیث‌ترین و پلیدترین انسان‌ها هستند، به حاکمیت بر همه انسان‌ها و جوامع برسند؟! اگر این باشد که، خلق خدا بیهوده می‌شود و خدا کار بیهوده کرده است. خدا زمین و آسمان را آفریده، تا در دست ابرقدرت‌ها قرار بگیرد و مظلومان عالم کشته بشوند؟! کسی حق اعتراض

نداشته باشد؟ آیا جهان باید به این سمت برود؟ پس اگر خدا جهان را خلق کرده و مدیریت و ربوبیت می‌کند، خودش می‌داند که این جهان باید روزی به گونه‌ای مدیریت بشود، که همه امکانات جهان در اختیار همه بندگان خدا قرار بگیرد. همه انسان‌ها به صورت عادلانه، با امکانات مساوی در عالم زندگی کنند و به نقطه تکامل برسند.

حاکمیت صالحان، نقطه تکامل انسان

نقطه تکامل چیست؟ حاکمیت انسان صالح که عدل را در جهان پیاده بکند، به گونه‌ای که حتی حیوانات وحشی هم به زیر دست خودشان ظلم نکنند. جهان باید به این سمت برود. این چیزی است که فطرت انسان گواهی می‌دهد. این چیزی است که همه انسان‌ها می‌پسندند و دوست دارند. این اتفاق باید بیفتد. اگر این اتفاق بیفتد، باید چه کسی مدیریت کند، تا به سمت صلح جهانی برویم؟ تا در سایه حاکمیت صالحان، همه انسان‌ها به سمت تکامل بروند؟ چه کسی ما را به آن سمت، مدیریت و هدایت کند؟ جز خدا و انبیاء الهی و کتب آسمانی، راه دیگری نیست. همه انبیا و کتب آسمانی آمده‌اند، تا از رفتن خلقت جهان، به سمت تباهی جلوگیری کنند. نباید گذاشت این اتفاق بیفتد و نخواهد افتاد و ما یقین داریم که این اتفاق نخواهد افتاد. جهان به سمتی

اداره می‌شود، که حاکمیت جهانی صالحان محقق بشود و قرآن مسیرش را برای ما مشخص می‌کند.

شاخص اصلی برای متقی بودن

خدای متعال می‌فرماید: متقین هستند که برای تحقق این حاکمیت، در طول تاریخ تلاش می‌کنند. متقین کسانی نیستند که فقط از گناه پرهیز می‌کنند، دروغ نمی‌گویند، حرام نمی‌خورند. متقین این کارها را می‌کنند. شاخص اصلی برای متقی بودن و در زمره متقین قرار گرفتن، این است که برای تحقق حاکمیت جهانی صالحان، باید تلاش کنید. حداقل اهتمام داشته باشید. حداقل کاری که می‌کنید، برای پیروزی اینها دعا کنید. حداقل دلتان بخواهد اینها پیروز بشوند. طرفدار شکل‌گیری این حاکمیت در جهان باشید. حداقل می‌توانید در راهپیمایی‌ها شرکت کنید، دعا بکنید، مقداری پول بدهید، کمک به غزه، به محور مقاومت، به نظام جمهوری اسلامی بکنید. هرطوری که می‌توانید و از دست‌تان برمی‌آید، کمک بکنید. حداقل، در دلتان حرف دشمنان را تایید نکنید، ذهنیت غلط و گفتمان غلط دشمنان را قبول نداشته باشید، تخطئه کنید، دفاع کنید از گفتمان انقلاب. این چیزها باعث می‌شود که انسان در زمره متقین باشد.

شرط در زُمره کافران و منافقان نبودن

خدای متعال می‌فرماید؛ متقین چه کسانی هستند؟
﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًىٰ مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲
 این متقین کسانی هستند که همیشه در معرض هدایت خدا هستند که قرآن، هدایت برای اینهاست.
﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًىٰ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۳ قرآن کتاب هدایت است برای متقین، یعنی اگر با حاکمیت دینی صالحان در جهان همراه بودید، آن وقت متقی خواهید بود. آن وقت می‌توانید از هدایت‌های قرآن بهره‌مند بشوید. و اگر در این زُمره نبودید، یا در زُمره کافران خواهی بود یا منافقین. کافران تلاش می‌کنند تا حاکمیت دینی کلاً نابود بشود. همیشه در صدد براندازی حاکمیت دینی هستند. می‌خواهند دوباره حاکمیت دینی به سلطنت برگردد و ما دوباره، زیر دست آمریکا اداره بشویم. اگر جزو متقین نباشیم، حتماً جزو یکی از این دو خواهیم بود؛ ۱. جزو کافران خواهیم بود، که مهر بر قلب‌شان خورده است و هیچ وقت هدایت نمی‌شوند. قرآن فرمود: **﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾**^۴، قیامت دچار عذاب عظیم می‌شوند. ۲. جزو منافقین خواهیم بود، که برای اینها

۲. سوره بقره؛ آیه ۵

۳. سوره بقره؛ آیه ۲

۴. سوره بقره؛ آیه ۷

عذاب دردناکی خواهد بود. منافقین تفکر و گفتمان‌شان این است؛ عیب ندارد حاکمیت دینی باشد، ولی با محوریت ما، ما بر پست‌های حاکمیت دینی قرار بگیریم و بر کرسی‌ها بنشینیم، تا منافع خود و بخشی از منافع ابرقدرت‌ها را تامین کنیم.

منافقین، مانع اصلی حاکمیت جهانی اسلام در

عصر پیامبر صلی الله علیه و آله

عرض کردیم، پنج آیه ۱۵ تا ۲۵، در صد بیان این مسئله است که؛ منافقین در مقابل پیامبر موضع گرفتند و اجازه ندادند، حاکمیت دین اسلام جهانی بشود. حواستان باشد، منافقین باعث شدند تا پیامبر خدا پیروز نشود و حاکمیت اسلام، در زمان خودش جهانی نشود. اگر منافقین کارشکنی نمی‌کردند، پیامبر خدا در همان زمان خودش دین را جهانی می‌کرد. این منافقین نگذاشتند. کارشکنی‌ها کردند. در جنگ اُحُد، منافقین باعث شدند که جنگ شهری به جنگ میدانی تبدیل بشود و نگذاشتند پیامبر خدا در شهر بماند. پیامبر خدا وقتی فهمیدند که کفار مکه دارند می‌آیند که انتقام جنگ بدر را بگیرند، به مردم فرمودند که از مدینه بیرون بروید. جنگ شهری کنید. اگر در شهر بمانیم و بجنگیم، قطعاً پیروز می‌شویم. منافقین زیر گوش مردم زمزمه کردند که نه، باید برویم بیرون. چرا می‌خواهیم جنگ شهری کنیم؟ آمدند چون و چرا کردند

و باعث شدند که جَوّ عمومی، علیه پیامبر بشود و همه بگویند، نه، چرا جنگ شهری کنیم؟ اینجا ممکن است که زن و بچه ما در خطر بیفتند. اینطوری، ترس در دل مردم انداختند. اینها، جنگ میدانی در خارج از شهر را، به پیامبر تحمیل کردند. همین جنگ میدانی، باعث شد که پیامبر خدا، در اُحد شکست بخورد. این شکست را چه کسی بر پیامبر تحمیل کرد؟ منافقین. و خیلی از مشکلات دیگر، که باید تاریخ اسلام را درست تحلیل کنیم. من ان شاء الله در ضمن آیات، تحلیل صحیح از تاریخ را هم سعی می‌کنم، خدمت شما عزیزان ارائه کنم، تا معلوم شود، منافقین چه بلاهایی که سر اسلام نیاوردند.

وعده منافقین به ابرقدرت‌ها و مردم

بزرگترین مانع، در مقابل جهانی شدن دین، منافقین هستند. چرا؟ چون منافقین با کفار بسته‌اند، که ما اجازه نمی‌دهیم، حاکمیت دین، جهانی بشود و حاکمیت شما ابرقدرت‌ها به خطر بیفتد. این تعهدی است که منافقین و کفار دارند، که ما اجازه نمی‌دهیم حاکمیت دینی، حکومت شما را به خطر بیندازد. ما در منصب‌ها و مراکز تصمیم‌گیری حکومت نفوذ می‌کنیم. اگر یک وقت رهبر حاکمیت دینی، خواست علیه شما اقدامی بکند، ما مجبورش می‌کنیم که دست از این اقدام بکشد. لذا منافقین، حاکمیت دینی را برای کفار

بی خطر می‌کنند. از آن طرف، به مردم می‌گویند، ببینید حاکمیت دینی می‌خواهد جنگ درست کند، ما سایه جنگ را از سر شما برمی‌داریم. ما با مذاکرات، جلوی جنگ را می‌گیریم. به گونه‌ای وانمود می‌کنند، که مردم گمان کنند که منافقین، به فکر زندگی و معیشت آنها هستند، اما حاکم دینی، دائم دنبال جنگ است. رهبر حاکمیت دینی را جنگ طلب، معرفی می‌کنند و خودشان را صلح طلب. می‌گویند، ما اهل مذاکره و اهل زیستِ مسالمت آمیز هستیم، اما حاکمیت دینی، دائماً می‌خواهد جنگ افروزی کند. این حرفی است که همیشه منافقین در طول تاریخ زده‌اند. همیشه این تهمت را، به پیامبران قبل از پیامبر گرامی اسلام هم زده‌اند. در زمان پیامبر اسلام هم، این تهمت را زدند. به پیامبر در انقلاب هم، تهمت زدند و الان هم این تهمت را به انقلابیون می‌زنند. همه حرف منافقین این است که انقلابیون جنگ طلب هستند. ما طرفدار صلح هستیم. انقلابیون می‌خواهند بجنگند و این جنگ طلبی‌شان باعث می‌شود که تحریم‌ها زیاد شود، گرانی بشود. ما دنبال صلح هستیم و کارهای ما و گفتمان ما موجب این می‌شود که همه چیز، ارزان بشود. وانمود می‌کنند که اصلاً اقتصاد، روی چرخه گفتمان ما باید بچرخد. اگر گفتمان ما گفتمانِ مُصالحه و گفتمان تقریباً تسلیم در برابر ابرقدرت‌هاست، اگر این

گفتمان غالب بشود، جنس‌ها هم ارزان می‌شود. آن وقت ابرقدرت‌ها هم، دست از تحریم‌ها برمی‌دارند آن وقت معیشت مردم روبه‌راه می‌شود. این تفکری است که منافقین در جامعه پیاده کرده‌اند. در زمان پیامبر هم همین کار را می‌کردند. الان هم همین کار را می‌کنند.

عدم اعتماد منافقین نسبت به رزاق بودن خدا

قرآن کریم در آیه ۲۲، این تفکر را تخطئه کرد که شما چرا می‌خواهید از ابرقدرت‌ها، یک خدا برای خودتان بسازید؟ چرا حرف آنها را گوش می‌دهید؟ دلیلش چیست؟ دلیلش این است که اعتماد به رزاق بودن خدا ندارید. فکر می‌کنید که اگر با ابرقدرت‌ها نشینید و تسلیم خواسته‌هایشان نشوید، آن وقت رزق شما را قطع می‌کنند. در این صورت، دیگر دست خدا بسته است که به شما رزق بدهد؟! این تفکر منافقین است و قرآن این تفکر را نفی می‌کند.

شرط هدایت خدا، داشتن تفکر سیاسی متقین

اگر نگاه سیاسی نداشته باشیم و این آیات را بخوانیم و جلو برویم، چه درکی از آیات داریم؟ اصلاً این آیات، دیگر مصداق و معنایی ندارد. تا الآن که این آیات را می‌خواندید، آیا واقعا به این مسأله فکر می‌کردید، که این آیه کدام تفکر منافقین را می‌زند؟ اصلاً آیات قرآن،

اگر این طوری تفسیر نشود، به نظر من ما دیگر احتیاجی به قرآن نداریم. یعنی اصلاً قرآن نمی‌تواند ما را هدایت کند. اینکه قرآن هدایت برای متقین است یعنی همین. بگذارید من باز اینجا تکرار کنم و تاکید کنم. اینکه قرآن فرمود: **﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾** قرآن، متقین را هدایت می‌کند. یعنی اگر تفکر متقین را داشته باشید و با نگاه سیاسی، با گفتمان متقین و انقلابی به آیات نگاه کنید، می‌توانید از هدایت خدا بهره‌مند بشوید. اگر کسی با گفتمان سیاسی و انقلابی، به این آیات نگاه نکند، این آیات را بخواند برود، چه برداشتی از آیات دارد؟ هیچ، یک ترجمه ظاهری. اینکه خدا می‌گوید، من که شما را خلق کردم، تا عبادت کنید، تا متقی بشوید، یعنی گناه نکنید؟! اینطوری معنا می‌کنند دیگر. این آیه می‌گوید، **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾**^۵ عبادت کنید، یعنی فقط از خدا اطاعت کنید، در همه امور زندگی، مخصوصاً امور سیاسی و اجتماعی. اگر این آیه را تعریض به گفتمان منافقین ندانیم، آن وقت معنای عبادت را نمی‌توانیم درست بفهمیم. اما اگر نگاه انقلابی داشته باشیم، نگاه انقلاب این است که همیشه حواست به منافقین باشد تا گفتمان‌شان را بشناسید. منافقین می‌گویند، همین که نماز بخوانیم

۵ . سوره بقره؛ آیه ۲۱

کافی است. نه! خدا می گوید این کافی نیست. عبادت خدا یعنی در امور سیاسی هم باید از خدا اطاعت کنید. منافقین این اطاعت را ندارند، پس خدا را عبادت نمی کنند. بعد **لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** را هم اینطور معنا نکنید که متقی بشوید، یعنی گناه نکنید، نه. خدا را عبادت کنید، یعنی در همه امور مخصوصاً امور سیاسی، تا در زمره متقین قرار بگیرید، تا قرآن برای شما هدایت باشد.

من می خواستم آیه بعدی را که عرض کردیم درباره این مشکل منافقین می خواهد صحبت بکند، که اینها مشکل نبوت را هم دارند یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به نبوت ندارند. این آیه بعدی که آیه ۲۳ بود **وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا**، تعریض به این است که اینها نبوت را هم قبول ندارند. من می خواستم در این جلسه بگویم، معذرت می خواهم، و قتم تمام شد. در جلسه بعد ان شاء الله به این اشاره می کنم که منافقین در مورد نبوت چه مشکلی دارند که این آیه می خواهد تفکر اینها را تخطئه کند. این آیه ما را دعوت می کند به اینکه ما نبوت پیامبر را به صورت کامل قبول داشته باشیم، تا در زمره متقین قرار بگیریم و جزء منافقین نباشیم. ان شاء الله. در جلسه بعد عرض می کنم.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.